

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی

تأثیر هویت های قومی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
با تأکید بر قوم بلوچ

استاد راهنما:

دکتر مجتبی عطارزاده

استاد مشاور:

دکتر عباس حاتمی

پژوهشگر:

محمد صادق مسعودی

زمستان ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع
این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش	
۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی.....	۱
۲-۱- اهمیت تحقیق.....	۵
۳-۱- اهداف تحقیق.....	۶
۴-۱- تعریف مفاهیم.....	۶
۱-۴-۱- امنیت.....	۶
۲-۴-۱- امنیت ملی.....	۶
۳-۴-۱- قومیت.....	۶
۴-۴-۱- بلوچستان.....	۶
۵-۴-۱- هویت قومی.....	۷
۶-۴-۱- ناسیونالیسم.....	۷
۵-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع.....	۷
۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۹
۷-۱- سؤالات تحقیق.....	۹
۸-۱- فرضیات تحقیق.....	۱۰
۹-۱- روش تحقیق.....	۱۰
۱۰-۱- ابزار تجزیه و تحلیل تحقیق.....	۱۰
۱۱-۱- سازماندهی تحقیق.....	۱۲
فصل دوم: امنیت ملی و مبانی امنیتی جمهوری اسلامی ایران	
۱-۲- مقدمه.....	۱۳
۲-۲- تعریف امنیت.....	۱۴
۳-۲- تعریف امنیت ملی.....	۱۴
۴-۲- ابعاد امنیت ملی.....	۱۶

۱۶.....	۵-۲-ویژگیهای امنیت ملی.....
۱۷.....	۶-۲- رهیافت شناخت شناسی امنیت
۱۷.....	۱-۶-۲- دولت گرایان.....
۱۸.....	۲-۶-۲- رژیم گرایان.....
۱۸.....	۳-۶-۲- جامعه گرایان.....
۱۹.....	۴-۶-۲- جهان گرایان.....
۲۰.....	۵-۶-۲- فردگرایان.....
۲۰.....	۷-۲- امنیت ملی در جهان سوم.....
۲۲.....	۱-۷-۲- بحران مشروعیت.....
۲۱.....	۲-۷-۲- بحران یکپارچگی.....
۲۲.....	۸-۲- امنیت در اسلام.....
۲۵.....	۹-۲- امنیت در فقه سیاسی شیعه.....
۲۵.....	۱-۹-۲- فقه سیاسی.....
۲۶.....	۲-۹-۲- بخش پذیری امنیت.....
۲۶.....	۱-۲-۹-۲- امنیت اجتماعی.....
۲۷.....	۲-۲-۹-۲- امنیت نظامی.....
۲۸.....	۳-۲-۹-۲- امنیت فرهنگی.....
۳۰.....	۴-۲-۹-۲- امنیت سیاسی.....
۳۱.....	۵-۲-۹-۲- امنیت اقتصادی.....
۳۲.....	۶-۲-۹-۲- امنیت قضایی.....
۳۲.....	۱۰-۲- امنیت از دیدگاه امام خمینی(ره).....
۳۳.....	۱-۱۰-۲- امنیت سیاسی.....
۳۳.....	۱-۱-۱۰-۲- جایگاه ولایت فقیه و رهبری.....
۳۳.....	۲-۱-۱۰-۲- صیانت از اسلامیت نظام.....
۳۴.....	۳-۱-۱۰-۲- پایگاه مردمی نظام.....

عنوان	صفحه
۲-۱۰-۱-۴- سیاست خارجی.....	۳۵
۲-۱۰-۱-۵- امنیت فرهنگی.....	۳۶
۲-۱۰-۱-۶- امنیت اجتماعی.....	۳۷
۲-۱۰-۱-۷- امنیت اقتصادی.....	۳۷
۲-۱۱- امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۳۸
۲-۱۲- قومیت ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۴۱
۲-۱۲-۱- اقلیت های دینی.....	۴۱
۲-۱۲-۱-۱- تساوی افراد در برخورداری از حقوق و آزادی های سیاسی و عدم تبعیض.....	۴۱
۲-۱۲-۲- شناسایی موجودیت و هویت اقلیت دینی.....	۴۳
۲-۱۳- سیاستهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران.....	۴۵
۲-۱۳-۱- گفتمان بسط محور.....	۴۶
۲-۱۳-۲- گفتمان حفظ محور.....	۴۸
۲-۱۳-۳- گفتمان رشد محور.....	۵۰
۲-۱۴- گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران.....	۵۲
۲-۱۴-۱- گفتمان سنتی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران.....	۵۶
۲-۱۴-۲- گفتمان نوین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.....	۶۱
۲-۱۵- مؤلفه ها و بسترهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران.....	۷۱
۲-۱۶- اصول کلی مترتب بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.....	۷۳
۲-۱۷- تهدیدات و آسیب پذیریه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.....	۷۴
۲-۱۷-۱- به اعتبار موضوع.....	۷۴
۲-۱۷-۱-۱- تهدیدات سیاسی.....	۷۴
۲-۱۷-۲- تهدیدات اجتماعی.....	۷۵
۲-۱۷-۳- تهدیدات اقتصادی.....	۷۶
۲-۱۷-۴- تهدیدات فرهنگی.....	۷۶
۲-۱۷-۵- تهدیدات امنیتی.....	۷۷

۱۸-۲- خطوط های قرمز نظام..... ۷۷

فصل سوم: قومیت ها و تأثیر آنها بر امنیت ملی

۱-۳- مقدمه..... ۷۸

۲-۳- تعریف قومیت..... ۸۰

۳-۳- ناسیونالیسم..... ۸۱

۴-۳- انواع ناسیونالیسم..... ۸۲

۱-۴-۳- ناسیونالیسم مدنی..... ۸۲

۲-۴-۳- ناسیونالیسم قومی..... ۸۲

۵-۳- عوامل شکل گیری ناسیونالیسم قومی..... ۸۳

۶-۳- جنبش های قومی..... ۸۴

۱-۶-۳- زمینه های شکل گیری جنبش های قومی..... ۸۵

۲-۶-۳- جنبش قومی و طبقه متوسط جدید..... ۸۵

۳-۶-۳- موقعیت ژئوپولوتیکی ایران و جنبش قومی..... ۸۶

۷-۳- تأثیر قومیت بر امنیت..... ۸۶

۸-۳- قومیت به مثابه متغیری امنیتی..... ۸۷

۹-۳- فرقه گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی..... ۸۸

۱-۹-۳- خشونت بین فرقه و حکومت..... ۸۹

۲-۹-۳- فرقه گرایی و روابط بین الملل..... ۹۰

۱۰-۳- کارکرد منفی قومیتها..... ۹۰

۱۱-۳- تنوع قومی در ایران..... ۹۱

۱۲-۳- تیپ شناسی اقوام در ایران..... ۹۲

۱-۱۲-۳- قومیت ترک..... ۹۲

۲-۱۲-۳- قومیت کرد..... ۹۳

۱-۲-۱۲-۳- پیشینه تاریخی خودمختاری کردها در ایران..... ۹۴

عنوان	صفحه
۳-۱۲-۳- قومیت لر.....	۹۵
۳-۱۲-۴- قومیت عرب.....	۹۶
۳-۱۲-۵- قومیت ترکمن.....	۹۷
۳-۱۲-۶- قومیت بلوچ.....	۹۷
۳-۱۳- شاخصهای بحران قومی در ایران.....	۹۸
۳-۱۴- پتانسیل تهدید اقوام علیه امنیت ملی کشور.....	۱۰۳
۳-۱۴-۱- مرزنشینان.....	۱۰۳
۳-۱۴-۲- استقرار اقوام مشابه در مناطق همجوار کشورهای همسایه.....	۱۰۳
۳-۱۴-۳- دخالت بیگانگان.....	۱۰۴
۳-۱۴-۱- روسیه تزاری.....	۱۰۴
۳-۱۴-۲- انگلستان.....	۱۰۵
۳-۱۴-۳- امریکا.....	۱۰۵
۳-۱۴-۴- موازی بودن شکاف قومی با شکافهای مذهبی و زبانی (شکاف متراکم).....	۱۰۶
۳-۱۵- تبعیض به مثابه عامل بروز مسایل قومی.....	۱۰۶
۳-۱۵-۱- تبعیض اقتصادی.....	۱۰۷
۳-۱۵-۲- تبعیض سیاسی.....	۱۰۸
۳-۱۵-۳- تبعیض فرهنگی.....	۱۰۹
۳-۱۶- نظریه محرومیت نسبی.....	۱۱۰
۳-۱۶-۱- الگوهای محرومیت نسبی.....	۱۱۱
۳-۱۶-۲- شرایط ایجاد احساس محرومیت نسبی در جامعه.....	۱۱۲
۳-۱۶-۳- آثار محرومیتها.....	۱۱۳
۳-۱۷- نظریه‌های عمده مربوط به ناسیونالیسم و بسیج قومی.....	۱۱۴
۳-۱۷-۱- نظریه رقابت بر سر منابع.....	۱۱۵
۳-۱۷-۲- نظریه استعمار داخلی.....	۱۱۶

عنوان	صفحه
۳-۱۷-۳- نظریه انتخاب حسابگرانه.....	۱۱۷
۳-۱۷-۴- نظریه رقابت نخبگان.....	۱۱۷
۳-۱۷-۵- نظریه کثرت گرایی فرهنگی.....	۱۱۸
۳-۱۷-۶- نظریه محرومیت نسبی.....	۱۱۹
۳-۱۷-۷- نظام بین المللی و کشمکش های قومی.....	۱۲۰
۳-۱۷-۸- الگوی نظری قوم گرایی در بلوچستان ایران.....	۱۲۱
۳-۱۷-۹- توضیح و تعریف عملیاتی متغیرهای چارچوب نظری.....	۱۲۳
۳-۱۷-۱-۹- دولت مدرن.....	۱۲۳
۳-۱۷-۲-۹- نخبگان سیاسی.....	۱۲۵
۳-۱۷-۳-۹- نخبگان بومی (قومی).....	۱۲۶
۳-۱۷-۴-۹- نخبگان غیربومی (غیرقومی).....	۱۲۶
۳-۱۷-۵-۹- نظام بین المللی.....	۱۲۶
فصل چهارم: هویت و قومیت بلوچ و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	
۴-۱-۱- مقدمه.....	۱۳۲
۴-۲- ریشه تاریخی قوم بلوچ.....	۱۳۵
۴-۳- موقعیت جغرافیایی و مناسبات اقتصادی و اجتماعی بلوچستان.....	۱۳۵
۴-۴- مرزهای سیاسی بلوچستان.....	۱۳۶
۴-۵- تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان.....	۱۳۷
۴-۶- بلوچ و بلوچستان.....	۱۳۷
۴-۷- پیشینه زبان بلوچی.....	۱۳۷
۴-۸- مذهب و اعتقادات منطقه بلوچستان.....	۱۳۸
۴-۸-۱- دیوبند.....	۱۳۸
۴-۸-۲- بریلوی.....	۱۳۹
۴-۸-۳- مودودی.....	۱۳۹
۴-۸-۴- اهل حدیث.....	۱۴۰

عنوان	صفحه
۹-۴- منطقه سرحد بلوچستان.....	۱۴۱
۱۰-۴- شهرستان ایرانشهر.....	۱۴۱
۱۱-۴- عشایر و طوایف بلوچ.....	۱۴۱
۱-۱۱-۴- طوایف شهرستان زاهدان.....	۱۴۱
۲-۱۱-۴- طوایف شهرستان خاش.....	۱۴۲
۳-۱۱-۴- طوایف شهرستان ایرانشهر.....	۱۴۲
۴-۱۱-۴- اشتراکات طوایف بلوچ.....	۱۴۲
۱۲-۴- سیر تاریخی مناقشات در بلوچستان.....	۱۴۲
۱-۱۲-۴- قبل از انقلاب اسلامی.....	۱۴۲
۲-۱۲-۴- بعد از انقلاب اسلامی.....	۱۴۳
۱۳-۴- انقلاب اسلامی و شکاف‌های اجتماعی.....	۱۴۸
۱-۱۳-۴- انقلاب اسلامی و شکاف مذهب.....	۱۵۰
۲-۱۳-۴- انقلاب اسلامی و شکاف قومی.....	۱۵۱
۱۴-۴- عوامل مؤثر بر تقویت مسایل قومی در منطقه بلوچستان.....	۱۵۳
۱-۱۴-۴- عوامل داخلی.....	۱۵۳
۱-۱-۱۴-۴- ترکیب قومی و مذهبی استان.....	۱۵۳
۲-۱-۱۴-۴- نقش دولت مرکزی.....	۱۵۴
۳-۱-۱۴-۴- محرومیت اقتصادی.....	۱۵۴
۴-۱-۱۴-۴- مشارکت سیاسی.....	۱۵۵
۵-۱-۱۴-۴- پدیده قاچاق.....	۱۵۵
۶-۱-۱۴-۴- توزیع جمعیت استان برحسب صفات قومی - مذهبی.....	۱۵۶
۱-۶-۱-۱۴-۴- واگرایی از قانون و حکومت مرکزی.....	۱۵۶
۲-۶-۱-۱۴-۴- نقش مولوی ها و روحانیون اهل سنت.....	۱۵۷
۷-۱-۱۴-۴- انزوای جغرافیایی.....	۱۵۷
۸-۱-۱۴-۴- ظهور گرایش سیاسی محلی گرا در بلوچستان.....	۱۵۸
۲-۱۴-۴- عوامل بیرونی.....	۱۵۹

عنوان	صفحه
۱-۲-۱۴-۴- نبروهای مداخله گر منطقه ای در مسائل قومی بلوچستان.....	۱۵۹
۲-۲-۱۴-۴- بلوچ های پاکستان.....	۱۶۰
۱۵-۴- منابع تأثیرگذار بر تحولات سیاسی- ایدئولوژیک در بلوچستان.....	۱۶۱
۱-۱۵-۴- انقلاب اسلامی.....	۱۶۱
۲-۱۵-۴- اسلام طالبانی.....	۱۶۲
۳-۱۵-۴- ناسیونالیسم بلوچ در دو قالب: ۱- ناسیونالیسم چپ ۲- ناسیونالیسم راست.....	۱۶۳
۱۶-۴- بلوچستان در فرآیند شکل گیری دولت مدرن.....	۱۶۵
۱-۱۶-۴- نخبگان قومی و بلوچستان.....	۱۶۵
۲-۱۶-۴- نخبگان غیر قومی در بلوچستان.....	۱۶۸
۱۷-۴- علت و ریشه های عدم رشد و توسعه در بلوچستان.....	۱۶۹
۱۸-۴- بررسی وضعیت مشارکت سیاسی بلوچها در دوران جمهوری اسلامی ایران.....	۱۷۱
۱۹-۴- بررسی برخی شاخص های توسعه در استان سیستان و بلوچستان.....	۱۷۲
۲۰-۴- خشونت و ناامنی در سیستان و بلوچستان.....	۱۷۶
۱-۲۰-۴- چستی و چرایی.....	۱۷۶
فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری	
۱-۵- نتیجه گیری.....	۱۸۵
۲-۵- سیاست ها و راهکارها.....	۱۹۴
منابع و مأخذ.....	۱۹۷

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۶۸	جدول شماره ۴-۱: نقش نخبگان قومی در بسیج توده ها در وقوع منازعات قومی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۱۷۲	جدول شماره ۴-۲: شاخص های توسعه در استان سیستان و بلوچستان.....
۱۷۳	جدول شماره ۴-۳: برخی شاخص های دیگر توسعه ی انسانی، بهداشتی و اقتصادی سیستان و بلوچستان مطابق نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن جمهوری اسلامی ایران.....
۱۷۵	جدول شماره ۴-۴: تعداد دانشگاهها، دانشکده ها، اعضای هیأت علمی، رشته های موجود و دانشجویان در استان سیستان و بلوچستان.....

فهرست شکل ها

عنوان	صفحه
شکل شماره ۳-۱: سازوکار و تأثیر فرقه گرایی مذهبی بر ثبات سیاسی.....	۹۱
شکل شماره ۳-۲: درجات مختلف قومی.....	۹۹
شکل شماره ۳-۳: عوامل مختلف فقدان همبستگی و یکپارچگی ملی.....	۱۰۳
شکل شماره ۳-۴: نمودار مفهومی کلی برای تبیین مسأله قومیت در ایران.....	۱۲۲
شکل شماره ۳-۵: رابطه متقابل میان دولت سنتی غیر متمرکز و ایلات ایران.....	۱۲۴
شکل شماره ۳-۶: دولت تمرکزگرای مدرن و ایلات ایران.....	۱۲۴
شکل شماره ۳-۷: چارچوب نظری برای تبیین علل و عوامل ظهور قومیت در ایران.....	۱۲۹
شکل شماره ۳-۸:	۱۳۰

چکیده

یکی از مهم ترین و دشوارترین انتظار از دولتها تامین امنیت ملی مطلوب است. دولتها در راستای تامین و حفظ این مهم با مشکلات و موانع متعددی روبرو هستند. در این میان از جمله عوامل بسیار مهم و تاثیر گذار بر مفهوم امنیت ملی، وجود هویت های مختلف قومی در حاکمیت سرزمینی یک کشور است. کشورهای جهان سوم نمونه ای عینی از هویت های متکثر قومی می باشند. جمهوری اسلامی ایران نیز واجد بافت جمعیتی با تنوع قومی با سابقه طولانی است. در جغرافیای سیاسی ایران، ما شاهد اقوام و هویت های قومی و به تبع آن گرایش های متفاوت فرهنگی و مذهبی هستیم، که خود زمینه سوء استفاده و چالشهای گوناگون در طول تاریخ ایران شده است. از آنجا که وجود این چالش ها می تواند زمینه سوء استفاده بیگانگان به منظور تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد، قومیت به عنوان متغیری بنیادین در امنیت ملی نقش ایفاء می نماید. سه عامل دولت، نخبگان قومی و نظام بین المللی در طول تاریخ ایران دلیل برجستگی و یا فعال شدن هویت و شکاف قومی بوده است. دولت با اتخاذ الگوهای غیر منطبق با واقعیات قومی، نخبگان قومی نیز با پیگیری انگیزه های آرمانخواهی و یا با ماهیت ابزار گرایانه و محیط بین الملل از رهگذر تلاش جهت تحقق منافع خویش در قالب مسائل و مطالبات قومی به برجسته شدن مساله قومیت دامن زده اند. نکته حائز اهمیت این است که هر سه عامل یاد شده در فضا و بستر احساس محرومیت نسبی، نقش های کار کردی از خود به جای گذاشته اند.

در سده اخیر قومیت به مثابه نیرومندترین عامل داخل تهدید کننده امنیت، همواره بر امنیت ملی ایران سایه افکننده است و دولتها به طور مداوم و به انحاء مختلف سعی در مهار آن داشته اند. تاریخ ایران در حافظه خود غائله آذربایجان، کردستان، ترکمن صحرا و... را به عنوان اشاره های تلخ تاریخی و اگرایی قومی جای داده است که این خود باعث گردیده این شاخصه مهم، در تکوین جهت گیری امنیت ملی ایران به عنصری تعیین کننده بدل گردد.

قومیت بلوچ به عنوان یکی از قومیت های ساکن جنوب شرقی ایران همواره دلالت عوامل سه گانه فوق را بر خود حس کرده است. در این بین به نظر می رسد نقش نخبگان قومی متعدد و متفرق بلوچ، در توسل به احساس محرومیت نسبی خلق شده توسط دولت از یک سو و همگرا گردیدن با محیط قدرتمند بین الملل از سوی دیگر زمینه تحریک، تهییج و تهدید قومی را در پرتو مذهب فراهم نموده است و بدین سان انطباق شکاف های قومی و مذهبی و نیز زبانی بر میزان آسیب پذیری حوزه امنیت ملی ایران افزوده است.

فصل اول

کلیات

۱-۱- شرح و بیان مسأله پژوهشی

شاید «زندگی امن» نخستین تمنای بشر بوده است، چرا که عالی‌ترین درخواست بشر در مقام اولویت تمنیات انسان سالم و تعالی طلب متأثر از فطرت پاک انسانی - یعنی آزادی - در پرتو اولویت بخشی به مفهوم امنیت حاصل می‌آید؛ و در پرتو حرکت آزادانه - آزادی طبیعی فطری - در جامعه‌ای با ساختار متضمن امنیت «انسان آزاد» - آزادی آگاهانه - کمال انسانی و جوامع انسانی فراهم می‌گردد. از همین رو «جامعه امن» در نگاه استراتژیست‌های مدرن زیربنای توسعه پایدار تلقی می‌شود؛ و در مقام اهمیت، جانشین قدرت و هم‌نشین منافع ملی است.

حفظ و تأمین امنیت ملی، یکی از وظایف اصلی و ضرورتی انکارناپذیر برای تمامی دولتها و اشکال مختلف دولت است؛ به گونه‌ای که فقدان امنیت به معنی فقدان حیات ملی، سرزمینی و جمعیتی کشورها تلقی می‌شود. لذا در هر نظام سیاسی خواه دموکراتیک یا غیر دموکراتیک، وظیفه دولت، تأمین «امنیت ملی»^۱ است. در واقع، برآیند تمامی وظایف و کارکردهای دولت در یک نظام سیاسی، تأمین امنیت ملی به مفهوم امنیت تمامی افراد جامعه

^۱ - National security

است. بنابراین می‌توان گفت که دولت، کارخانه‌ای است که یکی از محصولات آن، امنیت است و همه ابزارها، اختیارات و قدرتی که در اختیار نهاد دولت قرار دارد، به منظور حصول این هدف اصلی است. دولت‌های مختلف برای تأمین امنیت ملی بر اساس برداشت و تعریفی که از آن دارند، سیاست‌ها و راهبردهای خاصی را تدوین می‌کنند.

در مورد امنیت ملی تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. تا دهه ۱۸۸۰ تعریف جامع و کاملی از امنیت ملی ارائه نشده بود و بعد از آن به تدریج تعاریف کامل شد. هافندورن^۲ معتقد است که: «در قرن هفدهم میلادی شکل-گیری دولت ملی و تمایل آن به بقاء، باعث مطرح شدن این مفهوم شد». اما می^۳ اشاره می‌کند که: «این واژه فقط در قرن بیستم خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است». مسلّم اینکه امنیت ملی به دنبال تولد ملت-کشور مطرح شد که ریشه آن به قرن ۱۷ میلادی باز می‌گردد در آن زمان این مفهوم نوظهور تحت عنوان «بقای ملی»^۴ مطرح شد (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

این مفهوم مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحدی که مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب-نظران باشد، نیست. ریشه این عدم اتفاق نیز به برداشت متفاوت افراد، گروه‌ها و کشورها از این واژه باز می‌گردد. شاید علت این عدم اتفاق گستردگی و کلیت اکثر مسائل و ارزشهای انسانی-اجتماعی باشد که همگی تحت تأثیر این مفهوم قرار دارند. بر همین اساس آرنولد و لنوز^۵ می‌گویند: «امنیت ملی، نماد ابهام آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معانی دقیق باشد» (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۶۶). آلستایر بوکان^۶ نیز معتقد است: «امنیت واژه‌ای است که معانی بسیاری دارد» (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۶۶). و بری بوزان^۷ هم می‌گوید: «امنیت ملی را نمی‌توان بطور کلی تعریف کرد بلکه تنها در موارد مشخص می‌توان آن را تعریف نمود» (Buzan, ۱۹۸۵: ۲۰-۳۰). او در جای دیگری چنین می‌گوید: «امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف مبهم ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد» (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۴۳). با این احوال از سوی صاحب‌نظران در این مورد تعاریف مشخص‌تر و دقیق‌تری نیز مطرح شده است. برای نمونه، در دائرةالمعارف علوم اجتماعی این واژه چنین تعریف گردیده است: «توان یک ملت برای حفظ ارزشهای داخلی از تهدیدات خارجی» (روزنامه همشهری، ۱۳۷۲). سازمان ملل متحد^۸

^۲ - Haffendorn

^۳ - Mey

^۴ - National survival

^۵ - Lens, A.

^۶ -Bukan, A.

^۷ -Buzan, A.

^۸ -United Nations Organisation

طی پژوهشی در این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت» آن را چنین تعریف می‌نماید: «اینکه کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکنند و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند» (قاسمی، ۱۳۷۲: ۵۴-۵۵). در فرهنگ علوم سیاسی نیز چنین آمده است: «امنیت ملی عبارت از احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور می‌باشد» (آقابخش، ۱۳۶۳: ۱۷۳). در فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل این مفهوم بدین صورت تعریف شده است: «حالتی که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود ره سر می‌برد». والتر لیپمن^۹ محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی بود که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نمود: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد» (Piano, ۱۹۸۸: ۴۰). رابرت مک نامارا^{۱۰} نیز می‌گوید: «امنیت باید دال بر وضعی باشد که آن وضع حداقلی از نظم و ثبات است» (بهبادی، ۱۳۶۳: ۱۷۳). و ریچارد کوپر^{۱۱} می‌گوید: «توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزشهایش امنیت ملی است» (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

بسیاری از پژوهشگران نیز، امنیت ملی را «توانایی یک کشور در حفظ ارزشهای فردی در برابر تهدیدهای خارجی» (Eliaz, ۱۹۸۹: ۸۶) می‌دانند. به تعبیری، امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. حفاظت یک ملت در مقابل انواع تجاوزات خارجی، جاسوسی، عملیات شناسایی، خرابکاری و... تعریف دیگری است که از امنیت ملی ارائه شده است (گالینز، ۱۳۷۰: ۴۷۵).

اهمیت امنیت ملی به حدی است که بسیاری از دانشمندان علم سیاست و روابط بین‌الملل بر این نظرند که تحقق این مهم «فلسفه وجودی دولت» یا «فلسفه تشکیل دولت» را به دست می‌دهد و علیرغم تمامی قیودی که این امر برای آزادیهای فردی ایجاد کرده است تأسیس دولت را برای پاسداری از حریم امنیت دانسته و ضرورت تأسیس آن را قبول کرده‌اند. به عبارت دیگر، بی‌وجود امنیت هیچ برنامه‌ای در داخل یک کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، طرح‌ریزی برای رشد و هر گونه برنامه دیگر نیاز به آرامش و زمینه مطمئن در سطوح مختلف جامعه دارد که همگی در گرو برقراری امنیت است. در واقع امنیت در زمره اهداف و ارزشهای

^۹- Lippman, W.

^{۱۰}-McNamara, R.

^{۱۱}-Cooper, R.

اصولی و پایدار هر جامعه است. بر این مبنا تمام دولتها اعم از چپ، راست و میانه‌رو، بی‌استثنا این دو اصل (امنیت ملی-منافع ملی) را از اهداف اولیه سیاست خارجی خود می‌دانند. هر چند امنیت ملی چه در داخل و چه در خارج کشور از اهداف حیاتی و تردید ناپذیر و غیر قابل معامله تمام دولتهاست.

بر این اساس می‌توان گفت که درک امنیتی، همواره با مشکلات خود محوری قومی، رئالیسم نظری، بنیادگرایی ایدئولوژیکی و تقلیل‌گرایی به معنی تبدیل شدن پدیده‌های ذهنی به اصطلاحات ساده‌اندیشانه، همراه بوده است. کاربرد گسترده واژه «امنیت» در حوزه‌های گوناگون و تحت تأثیر قرار دادن آن در معادلات منافع، باعث گردیده است تا این مفهوم از دقت علمی لازم که نتیجه نگرش انتقادی است، کمتر بهره‌مند شود و از آن مفهومی توسعه نیافته، مبهم، نارسا و جدال برانگیز، متباین و متناقض در آورد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۱).

در این میان از جمله عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر مفهوم امنیت ملی، هویت‌های مختلف قومیتی در داخل یک کشور می‌باشند. کشورهای جهان سوم نمونه‌ای از کشورهای با هویت‌های قومی مختلف می‌باشند. در اغلب این کشورها، نوعی ناهمگونی جمعیتی وجود دارد. بیش از ۹۰ درصد جمعیت جهان دارای ناهمگونی و از تنوع قومی برخوردار است. بر همین اساس، ایران نیز از تنوع قومی برخوردار است. در جغرافیای سیاسی ایران، ما شاهد اقوام و هویت‌های قومی و به تبع آن گرایش‌های متفاوت فرهنگی و مذهبی هستیم، که خود زمینه‌ساز منازعات و چالش‌های گوناگون در طول تاریخ ایران شده است. از آنجا که وجود این چالش‌ها می‌تواند زمینه سوءاستفاده بیگانگان به منظور تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد، قومیت به عنوان متغیری بنیادین در امنیت ملی ایران نقش ایفا می‌نماید. به تعبیر دیگر، همبستگی و وحدت ملی فرایندی است که در پرتو آن امنیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... را شکوفا می‌نماید.

بنابراین اتخاذ سیاست‌هایی در جهت ایجاد همبستگی ملی می‌تواند در کنار سایر زمینه‌های لازم جهت تحقق امنیت ملی، شرط کافی برای این مهم باشد. حال باید دید چگونه می‌توان تنوع قومی و تراکم شکاف‌های (قومی، مذهبی، زبانی) در مناطق قوم‌نشین را به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر و همچنین تغییرناپذیر که همواره زمینه‌ساز سوءاستفاده بیگانگان به منظور تهدید امنیت ملی می‌گردد را در مسیری هدایت نمود که نه تنها تهدید و چالشی برای امنیت ملی قلمداد نگردیده و بالعکس ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی را افزایش و به عنوان پدیده‌ای مثبت و همگرا با سیستم سیاسی و امنیت ملی حاکم بر جامعه ایران محسوب گردد. مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی در ایجاد واگرایی قومی با نظام سیاسی حاکم دخیل بوده‌اند که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به اتخاذ سیاست‌های غلط حاکمیت سیاسی در طی سالیان گذشته و یا تحریک و ایجاد ناآرامی‌های

قومی در مناطق قوم نشین مانند کردستان و بویژه در طی چند سال اخیر در منطقه سیستان و بلوچستان با توجه به تراکم شکاف‌ها (قومی، مذهبی، زبانی) توسط بازیگران قدرتمند بین‌المللی و منطقه‌ای مانند آمریکا، انگلستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس که هر گونه گسست قومی تأمین‌کننده منافع آن‌ها می‌باشد. لذا باشناسی و شناخت عمیق هویت‌های قومی و ایجاد رویکرد صحیح و منطقی و توأم با آینده‌نگری در مواجهه با مقوله قومیت‌ها می‌تواند بستر ساز امنیت ملی پایدار و قوام یافته گردد.

۲-۱- اهمیت تحقیق

امنیت ملی مهمترین دغدغه هر نظام سیاسی است که با عناصر ایدئولوژیک و فرهنگی، اجتماعی و نظام پیوند خورده است و به واسطه آن هویت هر ملت تکوین یافته و بقا و تداوم آن در طول زمان میسر می‌شود. لذا شناخت ابعاد، مؤلفه‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها و نیز راه‌های وصول به آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. از طرف دیگر امروزه بحث قومیت و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن از اهمیت خاصی برخوردار شده است. این مهم از آن جهت نمود و تجلی می‌یابد که منطقه‌ی خاورمیانه علاوه بر اهمیت استراتژیک و منابع خدادادی، دارای تنوعات گسترده‌ی قومی، نژادی و فرهنگی است. در این میان ایران و همسایگان آن به نحو گسترده‌ای تحت تأثیر تنوعات فرهنگی- اجتماعی قومیت‌های تأثیرگذار قرار دارند. لذا نحوه‌ی تعامل حاکمیت و دولت با تنوع قومی در داخل و خط و مشی آن بر تنوع قومی- نژادی کشورهای همسایه به ویژه در مورد قومیت‌های دارای نام و نشان و اتخاذ سیاست‌های دموکراتیک و انسانی و معقولانه، عامل مهمی است که در همگرایی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تأثیرگذار است و می‌تواند بستری مناسب برای تقویت امنیت ملی کشور و تضمین آینده‌ی آن باشد. در غیر این صورت موجب تهدید منافع ملی گردیده بر تنش‌ها و تعارضات قومی دامن زده و نظام اجتماعی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد. از طرف دیگر ناآرامی کشورهای منطقه به واسطه‌ی تنش‌های قومی علاوه بر این که قومیت‌های داخل کشور را تحریک می‌کند، نفوذ و تسلط بیگانگان را بر منطقه به بهانه‌ی دسترسی به منابع و تضمین امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی توجیه می‌نماید. لذا اهمیت این تحقیق از آن جا نشأت می‌گیرد که مسأله امنیت ملی شریان حیاتی نظام‌های سیاسی است. بر این اساس پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا:

- نگاهی تئوریک و برآمده از دیدگاه واقع‌گرائی به موضوع قومیت‌ها با هدف کاهش جنبه آسیب‌زای قوم‌نشینی در ایران و ارتقاء زمینه امنیت ملی در مناطق پیرامونی داشته باشد.